



Journal of Sepehr-e Siyasat
Vol. 7, No. 23, Spring 2020, pp 111-140
DOI: 10.22034/sej.2020.1882722.1204

The Electoral System and Political Participation in Iran and its Impact on the Performance of Representatives (Review of the Sixth and Seventh Rounds of the Islamic Consultative Assembly)^{1*}

MirEbrahim Seddigh¹, Garineh Keshishyan², Ahmad Habibi³

¹ Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University Karaj Branch, Karaj, Iran
(Corresponding Author). e.seddigh@gmail.com

² Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
G_keshishyan@azad.ac.ir

³ PhD student, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.
Ahmad_Habibi339@yahoo.com

Received: 2019/11/06 ; Accepted: 2020/02/27

Abstract

Understanding the electoral system in every country, including Iran, is directly related to the efficiency of the parliamentarians in the performance of their representative duties. This article attempts to examine the relationship between the political tendency and the efficiency of Iranian parliamentarians with a case study of the sixth and seventh periods. The main question of this article is how the political tendencies and patterns of election of parliamentarians have an impact on their performance and cooperation with other governmental institutions and the extent of participation? The results of this research, based on a descriptive methodology - an analysis that is a cross-sectional and correlational research in terms of the relationship between data - show that whenever there is a context for healthy political competition and organizational transparency, there are MPs, signs of organized cooperation between the Parliament and other government bodies. The result of such a process can be seen as the maximization of political efficiency among the forces that have the necessary impetus for political role-playing. The situation in a final analysis will increase the political participation of individuals in the community as well as an important step towards political development.

Keywords: Political Development, Political Participation, Parties, Political Tendency, Electoral System.

¹ This article is based on a PhD thesis in Political Sociology, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Branch, entitled "A Sociological Analysis of the Effectiveness and Effectiveness of Principal and Reformist Representatives in the Islamic Consultative Assembly; Case Studies Sixth and Seventh".

* **Cite this article:** Seddigh, MirEbrahim ; Keshishyan, Garineh & Habibi, Ahmad (2020). The Electoral System and Political Participation in Iran and its Impact on the Performance of Representatives (Review of the Sixth and Seventh Rounds of the Islamic Consultative Assembly). *Sepehr –e siyasat*, 7(23):113-144 \Doi: 10.22034/sej.2020.1882722.1204



فصلنامه علمی - تخصصی سپهر سیاست
سال ۷، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۹، صفحات ۱۴۰-۱۱۱
DOI: 10.22034/sej.2020.1882722.1204

نظام انتخاباتی و مشارکت سیاسی در ایران و تأثیر آن بر عملکرد نمایندگان^{۱*}

(بررسی دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی)

میرا بر اهیم صدیق^۱؛ گارینه کشیشیان^۲؛ احمد حبیبی^۳

^۱ استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، کرج، ایران (نویسنده مسئول) e.seddigh@gmail.com
^۲ استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
G_keshishyan@azad.ac.ir
^۳ دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
Ahmad_Habibi339@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۸

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین گرایش سیاسی با کارآمدی نمایندگان مجلس در ایران با نگاه موردی به دوره‌های ششم و هفتم مجلس بود. پرسش اصلی پژوهش این بود که گرایش‌های سیاسی و الگوهای کنش انتخاباتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی چه تأثیری بر عملکرد و همکاری آنان با سایر نهادهای حکومتی و میزان مشارکت دارد؟ نتایج این تحقیق که بر اساس روش توصیفی - تحلیلی که از نظر زمانی یک تحقیق مقطعی و از نظر نوع ارتباط بین داده‌ها یک تحقیق همبستگی می‌باشد، نشان داد که هرگاه زمینه برای رقابت سیاسی سالم و شفافیت سازمانی میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی وجود داشته باشد، نشانه‌هایی از همکاری‌های سازمان‌یافته بین مجلس و سایر نهادهای حکومتی به وجود می‌آید. نتیجه چنین فرآیندی را می‌توان حداکثرسازی کارآمدی سیاسی بین نیروهایی دانست که از انگیزه لازم برای نقش‌آفرینی سیاسی برخوردار خواهند بود. وضعیت در یک تحلیل نهایی موجب افزایش مشارکت سیاسی افراد جامعه و همچنین گامی مهم در جهت توسعه سیاسی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس، مشارکت سیاسی، احزاب، نظام انتخاباتی، گرایش‌های سیاسی، توسعه سیاسی.

۱ - مقاله حاضر مستخرج از رساله دکترا رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی کارآمدی و اثربخشی نمایندگان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب در مجلس شورای اسلامی؛ مطالعه موردی دوره‌های ششم و هفتم» می‌باشد.

* **استناد به این مقاله:** صدیق، میرا بر اهیم؛ کشیشیان، گارینه؛ حبیبی، احمد (۱۳۹۹). نظام انتخاباتی و مشارکت سیاسی در ایران و تأثیر آن بر عملکرد نمایندگان (بررسی دوره‌های ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی). سپهر

سیاست، ۷(۲۳): ۱۱۳-۱۴۴/DOI: 10.22034/sej.2020.1882722.1204

مقدمه

بیش از ۳۰ دوره از فعالیت نهادهای قانونگذاری ایران می‌گذرد. نهاد برخواسته از انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران معطوف به روندهای ارتقاء‌گرا برای توسعه سیاسی است. ششمین دوره مجلس شورای اسلامی (مجلس ششم) از ۷ خرداد ۱۳۷۹ تا چهار سال قانونگذاری ایران را بر عهده داشت. در این دوره اصلاح‌طلبان اکثریت مطلق را در دست داشتند.

هفتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی در حالی برگزار شد که ده‌ها نماینده اصلاح طلب مجلس ششم، استعفاء داده و در ساختمان مجلس متحصن شده بودند. تحصن این نمایندگان، در اعتراض به اقدام شورای نگهبان در رد صلاحیت بیش از ۳۶۰۰ نفر از میان حدود ۸۱۵۰ نامزد نمایندگی مجلس بود. در نتیجه چنین شرایطی احزاب اصلی اصلاح طلب اعلام کردند که در انتخابات کاندیدایی معرفی نخواهند کرد، اما در نقطه مقابل تشکل‌های اصول‌گرا از جمله جامعه روحانیت مبارز و حزب موتلفه اسلامی از تشکل نوظهور «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی» حمایت کردند. در این دوره به جای احزاب که فعال نبوده و چندان در صحنه نبودند، شاهد رقابت ائتلاف‌ها بودیم. از جمله «ائتلاف آبادگران» و «ائتلاف برای ایران» از دو طیف اصول‌گرا و اصلاح‌طلب با هم رقابت می‌کردند.

ائتلاف آبادگران ایران اسلامی در انتخابات دومین دوره شوراها، پیروز شده و از شهردار شدن محمود احمدی‌نژاد در تهران حمایت کرده بود. انتخابات مجلس هفتم،

زمینه ساز اتفاقات مهمی بود. دولت نهم به ریاست جمهوری احمدی نژاد برآمده از خاستگاه سیاسی و رویکردهای مجلس هفتم بود.

تبیین نظام انتخاباتی ایران تابعی از شکل‌بندی‌های ساختار سیاسی می‌باشد. چنین مفاهیم و موضوعاتی بر چگونگی کنش نمایندگان مجلس شورای اسلامی تأثیر به جا می‌گذارد. موضوعات دیگری همانند کارآمدی و اثربخشی نمایندگان نیز با مؤلفه‌هایی همانند ویژگی‌های عمومی ساختار سیاسی ارتباط مستقیم خواهد داشت. اگرچه نمایندگان مجلس شورای اسلامی نقش‌های متنوعی را در ساختار سیاسی پیگیری می‌کنند، اما اصلی‌ترین کار ویژه آنان را باید در قانون‌گذاری دانست. شناخت میزان کارآمدی نمایندگان مجلس براساس قابلیت‌های عمومی و گرایش سیاسی معطوف به شرایطی است که می‌تواند زمینه‌های لازم برای مشارکت، همکاری و اثربخشی گروه‌های مختلف در فضای رقابت‌های ساختاری را به وجود آورد. نظریه‌پردازانی همانند رابرت دال^۱ به این موضوع اشاره دارند که رقابت‌های سیاسی می‌تواند بر کارآمدی گروه‌های رقیب انتخاباتی تأثیر گذارد (دال و استاین بریکنر، ۱۳۹۳، ص ۱۸۵).

نظام انتخاباتی در ایران براساس کنترل شورای نگهبان مشروعیت پیدا می‌کند. شورای نگهبان نه تنها صلاحیت کاندیدا را در زمان کاندیداتوری تأیید می‌نماید، بلکه تا زمان تأیید انتخابات و همچنین تصویب اعتبارنامه در مجلس از جایگاه ممیزی برخوردار است. فرآیند معطوف به نظام فراگیر در نظام انتخاباتی منجر به شکل‌گیری فرآیند و نقش‌یابی نمایندگانی می‌شود که مقیاس کارآمدی آنان در حوزه قانونگذاری و نظارت کاهش می‌یابد. شکل‌بندی‌های ساختار انتخاباتی ایران نشانه‌هایی از مشارکت، همکاری و رقابت نهادهای مختلف را به وجود می‌آورد. در سال‌هایی که مجلس ششم و هفتم فعالیت داشتند، نشانه‌هایی از همبستگی دولت و مجلس مشاهده می‌شود. در حالی که مؤلفه‌های دیگری همانند شفافیت، رقابت و مشارکت با تفاوت‌های عینی و

ساختاری روبرو شده است. چنین مؤلفه‌هایی بر اثربخشی رقابت‌های انتخاباتی و کنش نمایندگان مجلس تأثیر می‌گذارد (الهام، ۱۳۸۹، ص ۴۵).

پرسش اصلی پژوهش حاضر است که گرایش‌های سیاسی و الگوهای کنش انتخاباتی نمایندگان مجلس شورای اسلامی چه تأثیری بر عملکرد و همکاری آنان با سایر نهادهای حکومتی و میزان مشارکت دارد؟

ارزیابی‌های انجام شده نشان می‌دهد که هرگاه زمینه برای رقابت سیاسی سالم و شفافیت سازمانی میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی وجود داشته باشد، نشانه‌هایی از همکاری‌های سازمان‌یافته بین مجلس و سایر نهادهای حکومتی به وجود می‌آید. نتیجه چنین فرآیندی را می‌توان حداکثرسازی کارآمدی سیاسی بین نیروهای دانست که از انگیزه لازم برای نقش‌آفرینی سیاسی برخوردار خواهند بود. وضعیت در یک تحلیل نهایی موجب افزایش مشارکت سیاسی افراد جامعه و همچنین گامی مهم در جهت توسعه سیاسی خواهد بود.

بنابراین، شناخت نظام انتخاباتی در هر کشوری از جمله ایران رابطه مستقیم با میزان کارآمدی نمایندگان مجلس در اجرای وظایف نمایندگی دارد.

در این پژوهش تلاش می‌شود تا رابطه بین گرایش سیاسی و عملکرد نمایندگان مجلس در ایران با نگاه موردی به دوره‌های ششم و هفتم و مقوله مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مفاهیم پژوهش و چارچوب نظری

۱-۱. نظام انتخاباتی

یک نظام انتخاباتی تضمین‌کننده برگزاری انتخابات به گونه‌ای معتبر است و مقرر می‌سازد که آراء رأی‌دهندگان چگونه جمع‌آوری و شمرده شود. نظام‌های رایج رأی‌گیری، حکومت اکثریت، نمایندگی تناسبی و کثرت آراء است که با گوناگونی بسیاری در شیوه‌های جمع‌آوری، شمارش و تضمین سلامت انتخابات در این نظام‌ها مواجه هستیم.

سه مرحله را برای یک نظام انتخاباتی برشمرده اند که بعدها اندیشمندان دیگری این نظریه را کامل کردند و بر روی آن اتفاق نظر ایجاد شد که این سه مرحله عبارتند از:

- ساختار رأی‌گیری
- ساختار حوزه انتخابات
- فرمول انتخاباتی

ساختار رأی‌گیری نشان می‌دهد که رأی دهندگان چگونه انتخاب خود را بروز می‌دهند. ساختار رأی‌گیری با توجه به مطلق و ترتیبی بودن رأی و یا هدف رأی و فهرست کاندیداها و احزاب ممکن است متفاوت باشد.

اندازه حوزه انتخاباتی با تعداد کرسی‌هایی که در یک انتخابات در یک حوزه اشغال می‌شود، تعریف شده است. حوزه‌های انتخاباتی واحدهایی است که در آنها تمام آراء به توزیع کرسی‌ها تبدیل می‌شود. حوزه‌ها معمولاً به شکل سرزمینی تعریف می‌شود و همچنین ممکن است با گروه‌های جمعیتی تعریف شود.

فرمول انتخاباتی چگونگی تبدیل آراء به کرسی‌ها را تعیین می‌کند. به طور کلی سه روش وجود دارد و کرسی‌ها را می‌توان فرد یا حزبی اختصاص داد که:

۱. اکثریت آراء را بدست آورده‌اند.
۲. اکثریت نسبی آراء را بدست آورند.
۳. یا به طور نسبی بیشترین رأی در میان رقیبان‌شان را کسب کنند.

۱-۲) مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی به فعالیت‌های داوطلبانه و آزادانه اعضای یک جامعه (چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی) در امور حکومتی و سیاسی که با هدف تأثیرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌های سیاسی کشور صورت می‌گیرند، اطلاق می‌شوند. پیش‌تر مشارکت سیاسی فقط به معنی تلاش‌های موفقیت‌آمیزی بود که برای تأثیرگذاری بر اقدامات حکومت یا انتخاب رهبران انجام می‌گرفت. از همین جهت،

بعضی مشارکت سیاسی را فقط عبارت از اقدامات قانونی (مشروع) شهروندان از قبیل رأی دادن، تظاهرات و غیره می‌دانستند. در تعاریف دیگر از مشارکت سیاسی آمده است:

۱. مشارکت سیاسی عبارت است از فعالیت فردی - جمعی اعضای سطوح متفاوت نظام سیاسی و رده‌بندی تمایلات و گرایش‌ها به منظور اداره امور سیاسی جامعه.

۲. مشارکت سیاسی نوعی کنش سیاسی شامل هرگونه فعالیت یک‌جانبه و چندجانبه مردم در جهت شرکت یا مؤثر شدن در اداره امور و در نتیجه نظام سیاسی است. واقعیت مشارکت سیاسی اجمالاً نوعی کنش اجتماعی در جهت نشان دادن گرایش‌ها و تمایلات سیاسی مردم است. لذا، دانشمندان علوم سیاسی درباره مشارکت سیاسی مطالبی مبهم ارائه داده‌اند، زیرا کنش اجتماعی دارای انواع مختلفی است که یک نمونه آن مشارکت سیاسی پنهان در سطح وسیع و گسترده در کشور یا منطقه است.

۳. مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موافق یا ناموافق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره‌ای یا مستمر، شامل بکارگیری روش‌های مشروع و یا نامشروع برای تأثیر و انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی، انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است (رجبی، ۱۳۹۲، ص ۹۹-۱۰۰).

۱-۳) نگاه نظری تحقیق

توسعه سیاسی به دلیل چندبعدی جامع و شدیداً کیفی بودن آن، پیچیده‌ترین سطح یک جامعه است. توسعه سیاسی افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادگی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی با رشد دموکراسی مترادف است و هر اندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله‌روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می‌یابد. نوسازی سیاسی بیشتر به برقراری تجملات

سیاسی اشاره می‌کند، در حالی که توسعه سیاسی بیشتر جنبه رفتاری و بنیادی دارد. به بیان دیگر، در حالی که نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سر و کار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود. سه عامل سازمان، کارایی، تعقل عملی و همبستگی ایدئولوژیک رهبران و پیروان را از لوازم توسعه سیاسی دانسته‌اند (اخترشهر، ۱۳۸۷، ص ۲۶-۲۷).

فرآیند توسعه سیاسی به عنوان افزایش نامحدود ظرفیت بشر برای اختراع و نهادینه نمودن ساختارهای جدید و تقویت فرهنگ‌ها، فایق آمدن بر مشکلات یا حل آنها، قرار گرفتن در مسیر تغییر مداوم و سازگاری با آن و تلاش هدفمند و خلاق برای دستیابی به اهداف جدید اجتماعی (معرفی) گردید (کلمن، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰-۱۱۹). لوسین پای^۱ نیز افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و نیز افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌پندارد (قوام، ۱۳۸۷، ص ۸۷). آیزن استات^۲ توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد (مهدی‌خانی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۳).

جوامع مدنی اغلب به وسیله نهادهایی مثل سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، گروه‌ها، سازمان‌های زنان، سازمان‌های عقیده محور، اتحادیه‌ها، گروه‌های خودیاری، حرکت‌های اجتماعی و ائتلاف‌ها پر می‌شوند. در واقع جامعه مدنی، آن بخش از زندگی اجتماعی است که سازمان یافته، داوطلبانه، مستقل از دولت و مبتنی بر نظام حقوقی و یا قواعدی است که مقبول شرکت‌کنندگان باشد، و حوزه‌ای است عمومی میان دولت و شهروند که در آن گفتمان‌ها و روندها، فعالیت‌ها و جنبش‌ها و نهادهای اجتماعی سازمان یافته به صورت خودمختار و داوطلبانه در قبال قاعده تعیین شده وجود دارد، ضمن آنکه در راستای عملکرد خود، در جهت دولت و تقویت آن و همچنین در مقابل دولت به

1 - Lucian Pye

2 - Elisenstadt

دلیل تضييع حقوق شهروندان قرار می‌گیرد (فقیهی و ولیخانی دهقانی، ۱۳۹۰، ص ۱).

برخی از دانشمندان، در حوزه نهادهای مردم‌سالار، چنین استدلال کرده‌اند که نوع نظام انتخاباتی مهمترین مسئله است. مثلاً لیجفارت^۱ نظام انتخاباتی را اصلی‌ترین عنصر قلمداد می‌کند، زیرا از نظر او اولاً نظام انتخاباتی نتایج سیاسی مهمی را در پی دارد و ثانیاً این نظام ماهرانه‌ترین عنصر دست‌کاری سیاست دموکراتیک است. اگر کسی قصد دارد ماهیت دموکراسی خاصی را تغییر دهد، نظام انتخاباتی احتمالاً مناسب‌ترین و کارآمدترین ابزار برای انجام چنین کاری خواهد بود (لانلد، ۱۳۸۹، ص ۲۳). یکی از وجوه اهمیت نظام انتخاباتی پیامدهای سیاسی مستقیم و غیرمستقیم آن است. به اعتقاد رینولدز^۲ و ریلی^۳ پیامد سیاسی مستقیم به این مفهوم است که اگر کسی تحت نظام خاصی انتخاب شود، ممکن است تحت نظام انتخاباتی دیگر انتخاب نشود و پیامد سیاسی غیرمستقیم آن به این مفهوم است که چه نوع احزاب، نظام‌های حزبی و کابینه‌هایی تشکیل خواهد شد (توسلی رکن آبادی و شعبان شمیرانی، ۱۳۹۲، ص ۷۸).

مشارکت سیاسی یکی از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است و یکی از اساسی‌ترین صورت‌های روابط اجتماعی بوده و به عنوان یکی از محورهای موضوعی در جامعه‌شناسی تلقی شده است. دایره‌المعارف‌های بین‌المللی علوم اجتماعی، مشارکت سیاسی را فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیرمستقیم در سیاست‌گذاری عمومی تعریف کرده‌اند (مصفا، ۱۳۷۵، ص ۱۹). لیپست^۴ در آثار مختلفی به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت پرداخته است. وی معتقد است الگوهای شرکت در انتخابات در کشورهای نظیر آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند و برخی از کشورهای دیگر مشابه هستند. در این کشورها مردان بیشتر از زنان، تحصیل‌کردگان بیشتر از بی‌سوادان در فرایندهای اجتماعی سیاسی شرکت دارند. متغیر مورد

1 - Lijphart

2 - Reynolds

3 - Reily

4 - Seymour Martin Lipset

نظر لیپست در تبیین مشارکت سیاسی را می‌توان به موقعیت اقتصادی خانواده که متغیرهایی چون سطح درآمد، شغل، محل سکونت را در بر می‌گیرد، اشاره دارد. این متغیرها از نظر لیپست به عنوان متغیرهای پایه‌ای عمل می‌کند که به طور غیرمستقیم از طریق برخی از متغیرهای دیگر نظیر ایدئولوژی سیاسی، عضویت حزبی و غیره رفتار سیاسی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (هاشمی، فولادیان و فاطمی امین، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶).

مشارکت سیاسی از معیارهای اندازه‌گیری سطح کیفی شهروندان سیاسی در یک جامعه است که توانایی‌ها و قابلیت‌های یک نظام سیاسی، برای نیل به اهداف و مقاصد نهایی را نشان می‌دهد. از این رو مهمترین هدف نهایی آموزش‌های سیاسی مشارکت فرد به صورت شهروندی فعال در مسائل سیاسی جامعه خود است؛ مشارکتی که به تقویت نظام سیاسی بینجامد. مشارکت مردم اگر بر پایه آگاهی و نگرشی ثابت صورت گیرد و مجاری مناسب و نهادینه‌ای نیز برای بیان خواسته‌ها وجود داشته باشد، ثبات و توسعه سیاسی را به وجود می‌آورد؛ اما اگر به صورت ناآگاهانه و بدون وجود نهادها و مجاری مناسب باشد، هرج و مرج و بی‌ثباتی سیاسی را سبب می‌شود و حتی در برخی زمینه‌های اجتماعی موجب سوء استفاده کانون‌های قدرت طلب می‌گردد. رفتار انتخاباتی و مسیر آن، مستلزم بررسی متغیرهای مستقل و تأثیرگذار است. از آنجا که در یک جامعه، با گذشت زمان شهروندان به علت جامعه‌پذیری و با توجه به تجربیات و داده‌های فردی رفتار خاصی را می‌آموزند، رفتار انتخاباتی تحت تأثیر عوامل جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی و آموخته‌های فردی قرار گرفته است. عواملی که در سطوح اجتماعی و فردی بر رفتار انتخاباتی در ایران تأثیرگذارند و زمینه وارد آمدن آسیب‌هایی به انتخابات را فراهم می‌نمایند، عبارتند از:

۱. احزاب و تشکل‌های سیاسی، همراه فعالیت نامزدهای انتخاباتی، برنامه‌ها و

تبلیغات آنان در زمان انتخابات؛

۲. قوانین انتخابات؛

۳. تحرکات اجتماعی.

احزاب و تشکل‌های سیاسی ابزارهایی برای آموزش سیاسی، تمهیدی برای تصمیم‌گیری و تأثیرگذاری آنها، وسیله‌جابه‌جایی قدرت و تبادل منابع و ارزش‌ها، نهادی برای جهت‌بخشیدن به فرهنگ سیاسی و تأثیر بر جامعه‌پذیری سیاسی به شمار می‌روند و همچون پل ارتباطی در جامعه، رفتارها و عملکردهای سیاسی شهروندان را به تدریج به سمت خاصی هدایت می‌کنند تا تنش‌ها و تعارضاتی که در جامعه وجود دارند، به بحران غیرقابل کنترل تبدیل نشوند. تجربه انقلاب اسلامی در مسیر رفتار انتخاباتی نشان داد که بیش از هر چیز شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه بر این مسئله مؤثر بوده است و احزاب و تشکل‌های سیاسی بر آن تأثیر چندانی نداشتند (عیوضی، ۱۳۸۸، ص ۸۰-۸۱).

با نگاهی به اسامی گروه‌هایی که به نام حزب و جمعیت سیاسی از وزارت کشور پروانه فعالیت دریافت کرده‌اند، درمی‌یابیم که هیچ‌یک از تشکل‌ها و جمعیت‌ها نمی‌توانند به مثابه حزب سیاسی فعال در جامعه مطرح باشند و تنها در زمان برگزاری انتخابات و با عنوان گروه‌های ائتلافی با سایر تشکل‌های سیاسی وارد صحنه سیاسی کشور می‌شوند. چنین وضعیتی نه تنها برای رشد سیاسی جامعه مفید نیست، بلکه باعث سردرگمی هرچه بیشتر رأی‌دهندگان و متشنج شدن اوضاع می‌گردد؛ این در حالی است که با برگزاری نمونه‌های بسیاری از انتخابات در ایران و میزان مشارکت مردم در آنها، تحزب‌گرایی غیر اصولی فاقد معیارها و ملاک‌های منطبق بر فرهنگ سیاسی کشور، وضعیت رقابت سیاسی در کشور را از مسیر معنوی، حقیقی و ارزشی خود به دلایل زیر خارج خواهد کرد:

۴. با توجه به مسیر انتخابات در ایران و تأثیر افکار عمومی سازماندهی شده بر آن که نشان دهنده حرکت به سوی تصریحی و تعمیقی‌تر شدن انتخابات است، ضرورت فعالیت منسجم و سازمان‌یافته گروه‌ها و تشکل‌های سیاسی بیش از پیش آشکار شده است. آموزش سیاسی از وظایف کنونی احزاب و تشکل‌های سیاسی است. کارآمدی احزاب سیاسی شور و نشاط سیاسی در مردم و رغبت آنان به مشارکت سیاسی را

موجب می‌شود. بر عکس ناکارآمدی آنان علاوه بر کاهش میزان انگیزه و رغبت، باعث انحراف رفتار رأی‌دهندگان خواهد شد و ضعف در شناخت، به ضعف در قضاوت و ایجاد سردرگمی و تردید در میان مردم منجر می‌شود.

۵. ضرورت فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی برای آموزش و ایجاد رغبت سیاسی در میان مردم، در برخی از انتخابات‌ها بیشتر نمایان است که این امر متأسفانه هنوز به طور کامل انجام نمی‌شود. انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری به نسبت انتخابات ریاست جمهوری از نظر نوع فعالیت و حاصل عملکردها برای مردم کمتر شناخته شده است؛ از این رو کمک و آموزش گروه‌های سیاسی که حاصل فعالیت مستمر آنان طی برگزاری انتخابات است، می‌تواند در تصور مردم از منافع و حقوق خود، برای شرکت در این گونه انتخاب‌ها بسیار مؤثر باشد.

۶. در انتخاباتی که انتخاب شوندگان باید در آن به بیش از یک نامزد رأی دهند، به فعالیت گروه‌ها بیشتر نیاز است، ولی توجه کافی بدان نشده است؛ چنان که تحقیقات درباره انتخابات نشان می‌دهد، افرادی که به صورت نامزد منفرد در مقایسه با کسانی که به صورت مشترک، تبلیغ کرده بودند، رأی کمتری آورده‌اند. به ویژه در انتخاباتی مانند انتخابات مجلس شورای اسلامی تهران که باید ۳۰ نفر انتخاب شوند، برای مردم شناسایی هر یک از آنها کار آسانی نیست؛ در صورتی که اگر افراد هم عقیده بتوانند به صورت گروهی خود را به مردم معرفی کنند، انتخاب‌ها ساده‌تر و منطقی‌تر خواهد بود. در نتیجه با توجه به افزایش میزان آگاهی و بصیرت مردم، احتمال کاهش در میزان مشارکت سیاسی، به ویژه در رأی دادن وجود دارد که این سیر نزولی را می‌توان همچون آسیبی در مشارکت سیاسی مردم مطرح کرد؛ در حالی که اگر گروه‌های سیاسی بتوانند به شکل احزاب سیاسی مستمر، فعال و پویا، عمل کنند، می‌توان در عرصه‌های سیاسی، مشارکتی فعالانه و از روی آگاهی شهروندان را انتظار داشت (عیوضی، ۱۳۸۸، ص ۸۲-۸۱).

۳-۱) مشارکت و توسعه سیاسی در ایران

جامعه ایران، همیشه جامعه ضعیفی بوده و دولت در ایران قوی‌تر از جامعه بوده است. در شرق در مقایسه با غرب، دولت‌ها قوی و جامعه ضعیف بوده است. اینکه

نیروهای اجتماعی چرا قدرت لازم را کسب نکرده‌اند و به صورت طبقات مستقل در نیامده‌اند، یکی از عوامل آن همین قدرت نامحدود دولت است که در فرهنگ سیاسی ایران باز تولید شده است (بشیریه، ۱۳۸۸، ص ۸). در جامعه سنتی ایران، دولت از جامعه جدا بود و نه فقط در رأس، بلکه فوق آن قرار داشته است در نتیجه (در تحلیل نهائی) دولت پایگاه و نقطه اتکاء محکم و مداومی نداشته و منافع جامعه را نمایندگی نمی‌کرده است. به این ترتیب همه حقوق اجتماعی غالباً در انحصار دولت بوده و «حقوقی» که هر فرد، گروه، طبقه اجتماعی (و حتی کل جامعه) از آن برخوردار بوده، اساساً بر مبنای اجازه و اراده دولت قرار داشته است، یعنی در حکم «امتیازی» بوده که دولت در هر لحظه می‌توانسته آن را لغو کند. به عبارت دیگر، قدرت دولت به هیچ نسبت، عرف، قرارداد یا قانون مداومی منوط و مشروط نبوده و این درست معنای عادی واژه «استبداد» یعنی خودرأیی و خودسری است. در چنین جامعه‌ای نه «قانون» و نه «سیاست» به آن معانی که در تاریخ جوامع اروپائی به کار برده شده، وجود خارجی ندارد، به زبان دیگر «قانون» همان اوامر و احکامی است که دولت استبدادی به اراده خود صادر می‌کند و هرگاه بخواهد تغییر می‌دهد و «سیاست» نیز از حدود توطئه و دسیسه و کوشش برای حذف، امحاء و نابودی رقیبان و دشمنان و حفظ و حراست سلطه دولت بر اجتماع چندان فراتر نمی‌رود (کاتوزیان، ۱۳۷۲، ص ۴).

تجربه اندک ایران در فعالیت‌های حزبی بعد از انقلاب مشروطیت، ضعف نسبی گروه‌های برگزیده سیاسی و وجود عوامل نیرومندی که سیر تاریخ سیاسی ایران را به سوی ساخت قدرت مطلقه سوق می‌داد، راه توسعه ایران را تغییر دادند. تحکیم ساخت قدرت مطلقه مانع تکوین احزاب به عنوان مجاری مشارکت و رقابت سیاسی گردید. ساخت قدرت مطلقه نه تنها مبتنی بر روابط قدرت شخصی است، بلکه موجب نهادزدایی از سیاست و گسترش روابط شخصی و غیررسمی شدن فرایندهای سیاسی نیز می‌گردد. سیاست حکومت بیشتر معطوف به جذب و حل نیروهای سیاسی بود و نه پذیرش و پرورش آنها. تمامی این موارد باعث شده که موانع زیادی در مقابل توسعه سیاسی قرار بگیرد. انباشت قدرت سیاسی در ایران و تمرکز منابع اجبار در دست حکومت زمینه مناسبی بر اعاده سیاست غیررسمی مبتنی بر «دوره‌ها» و گروه‌های پنهان

و غیر پنهان به وجود آورد. به گفته شاه اصلاحات ارضی، آزادی زنان و سهم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها تنها مقدمه بودند، هدف ما برقراری حکومت مردم به وسیله مردم و دستیابی به دموکراسی قانونی واقعی بود (بشیریه، ۱۳۸۸، ص ۲۴).

در واقع پس از آشنایی ایرانیان با شکل جدید حکومت و دولت مدرن و دیگر ملزومات زندگی سیاسی جدید غربی، به تدریج مفهوم سلطنت مطلقه به عنوان شاخص زندگی سیاسی جای خود را به مفهوم حکومت اسلامی داد. این مفهوم خود را در مقایسه با مفهوم دولت مدرن بازسازی کرد و در ایران معاصر با دو قرائت «سلطنت مشروطه» و «جمهوری اسلامی» تحقق عینی یافته است. حیدر ابراهیم علی می‌گوید: اندیشه دولت و سرشت آن برخاسته از تحولات تاریخی اروپا طی سده شانزدهم و پیدایش ملت‌ها و انقلاب صنعتی و ظهور بورژوازی است و این بدان معناست که اجتماعات عربی - اسلامی بخشی از این تحول تاریخی نیستند. مفهوم دولت مدرن به تمدن اسلامی از بیرون آن وارد شده است. او می‌گوید: به رغم پیدایش مفهوم دولت و سیاست مدرن در اندیشه اسلامی معاصر، با مراجعه به تاریخ و تمدن اسلامی درمی‌یابیم که هیچ سندی وجود ندارد که نشان‌دهنده کاربرد مفهوم دولت در اندیشه اسلامی گذشته باشد، در حالی که اندیشه اسلامی معاصر خود را امتداد سنت فکری گذشته می‌داند. او می‌افزاید: فقیهان از مفهوم حکومت، که مفهومی مغایر مفهوم دولت مدرن است، استفاده کرده‌اند و بیشتر به بیان نصایح و مواظب اخلاقی به حاکمان در مدارا با رعیت پرداخته‌اند؛ اما آنها از اصطلاح «دولت» و «حکومت» استفاده کرده‌اند که بتوانند در برابر مفهوم دولت مدرن، الگوی زندگی معاصر خود را بیان کنند (کدیور، ۱۳۷۸، ص ۱۰۱).

بدیهی است که براساس این دیدگاه‌ها توسعه و دیگر مفاهیم مرتبط با آن، منابع و مخازن نظریه‌پردازی، نوع استدلال، نتایج به دست آمده، امکان کاربردی و چگونگی ارزیابی وضعیت کنونی تفاوت خواهد کرد. از منظری کلان می‌توان مواجهه خرده‌گفتمان‌های اسلام سیاسی را در نظام جمهوری اسلامی ایران در پنج شکل طبقه‌بندی کرد. اگر دوران تأسیس نظام جمهوری اسلامی را در فاصله زمانی ۱۳۶۰-۱۳۵۷ عرصه حضور نزاع و رقابت نیروهای مذهبی با جریان‌های غیر مذهبی فعال در این دوران

قلمداد کنیم، صورت‌بندی‌های بعدی درون نظام اسلامی، عملاً با حذف و منزوی شدن نیروهای غیرمذهبی در ایران، از سال ۱۳۶۰ به بعد شکل گرفته‌اند.

این صورت‌بندی‌ها، چهار مرحله بعدی تحولات سیاسی عصر جمهوری اسلامی ایران را در برمی‌گیرد. مبنای این تفکیک، چگونگی رقابت و ماهیت مرزبندی میان جریان‌ها و خرده‌گفتمان‌ها است. مرحله دوم از هنگام حذف و منزوی شدن نیروهای غیرمذهبی در ایران تا ارتحال امام خمینی و همراه با آن پایان دوران نخست‌وزیری مهندس میرحسین موسوی در فاصله ۱۳۶۸-۱۳۶۰ را دربرمی‌گیرد. مرحله سوم در فاصله زمانی ۱۳۶۸-۱۳۷۶ و دوران سازندگی است. چهارمین مرحله از دوم خرداد ۱۳۷۶ آغاز می‌شود و تا انتخابات مجلس هفتم در زمستان ۱۳۸۲ ادامه می‌یابد. با افول تدریجی گفتمان اصلاح‌طلبی در ایران و فعال شدن گفتمان اصول‌گرایی که به صورت ملموسی در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۴ تبلور یافت، مرحله پنجم صورت‌بندی گفتمان‌های اسلام سیاسی در ایران شکل می‌گیرد و تاکنون نیز به نوعی ادامه یافته است. صورت‌بندی گفتمان‌های اسلام سیاسی در عصر جمهوری اسلامی همراه با ویژگی‌های آنها به طور خلاصه در جدول زیر آمده است:

جدول ۱. صورت‌بندی گفتمان‌های اسلام سیاسی از ابتدای جمهوری اسلامی تا محدوده زمانی پژوهش

(ساعی، صفریور و باویر، ۱۳۸۹، ص ۹۲-۹۱)

مراحل	دوره تاریخی	ویژگی‌های دوران
مرحله اول	۱۳۶۰-۱۳۵۷ عصر تأسیس	تأسیس حکومت اسلامی و نزاع جریان مذهبی با جریانات غیرمذهبی
مرحله دوم	۱۳۶۸-۱۳۶۰ عصر دفاع مقدس	به حاشیه رانده‌شدن و حذف جریانات غیر مذهبی از عرصه سیاسی و آغاز تدریجی غیریت‌سازی درون گفتمانی در ایران و ظهور جریانات راست و چپ و تفوق نسبی گفتمان چپ
مرحله سوم	۱۳۷۶-۱۳۶۸ عصر سازندگی	حذف تدریجی جناح چپ از قدرت و تقسیم‌بندی‌های درونی در جناح-های سیاسی فکری ایران، چپ و راست سنتی و مدرن، نیروی سوم
مرحله چهارم	۱۳۸۲-۱۳۷۶ عصر اصلاحات	ظهور صورت جدید رقابت میان گفتمانی و ظهور اصلاحات و گفتمان‌های اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی
مرحله پنجم	۱۳۸۲ به بعد عصر اصول‌گرایی	افول نسبی گفتمان اصلاح‌طلبی و تفوق گفتمان اصول‌گرایی

۲) ادبیات تحقیق

با نگاهی گذرا به منابع پژوهش می‌توان اصلی‌ترین تحقیقاتی که در حوزه جامعه‌شناسی انتخاباتی ایران انجام گرفته را به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

الهام (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان «مرز امور تقنینی و اجرایی در ایران» تلاش کرد تا نظام انتخاباتی ایران را براساس چگونگی رابطه بین مردم، نهادها و فرآیندهای سیاستگذاری انتخاباتی تبیین نماید (الهام، ۱۳۸۹، ص ۴۶).

امامی و استوارسنگری (۱۳۸۷)، نیز در پژوهش خود با عنوان «حقوق اداری» تلاش کردند تا نظام انتخاباتی ایران را براساس نگرش اداری و بوروکراتیک تبیین نمایند.

دارابی (۱۳۸۸)، در مطالعات خود تلاش دارد تا رویکرد جامعه‌شناختی به نظام انتخاباتی را مورد بررسی قرار دهد. او در پژوهشی با عنوان «رفتار انتخاباتی در ایران: الگوها و نظریه‌ها» تلاش کرد تا ساختار انتخاباتی و الگوی انتخاباتی را تبیین کند.

رابرت دال^۱ در زمره نظریه پردازانی است که رفتار انتخاباتی را با قدرت، نخبگان و سازماندهی بوروکراتیک جامعه پیوند می‌دهد. دال در پژوهش خود با عنوان «تجزیه و تحلیل نوین سیاست» درصدد است تا انتخابات را براساس دموکراسی و الگوی کنش گروه‌های رقیب تبیین نماید (دال، ۱۳۶۴، ص ۹۷).

راسخ با انتشار کتابی با عنوان «بنیاد نظری اصلاح نظام قانون‌گذاری» تلاش کرد تا زمینه‌های لازم برای بازسازی نظام انتخاباتی ایران را فراهم آورد (راسخ، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

کاتوزیان نیز در پژوهشی با عنوان «نظام حقوقی ایران» موضوع انتخابات و فرآیند مشارکت سیاسی شهروندان را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۹۳).

در کل باید در خصوص ادبیات تحقیق توجه داشت که تحلیل جامعه‌شناختی کارآمدی و اثربخشی نمایندگان اصول‌گرا و اصلاح طلب در مجلس شورای اسلامی

موضوع حساس و جدیدی است که خلأهای پژوهشی در این زمینه وجود دارد. پژوهش حاضر از این جهت جنبه نوآوری و جدید بودن داشته و درصدد پاسخگویی به پرسش‌های مبهم این حوزه است.

۳) تحلیل جامعه‌شناختی کارآمدی و اثربخشی نمایندگان مجلس ششم و هفتم ۳-۱) نظارت نهادهای سیاسی بر سازمان‌های اجرایی و میزان دخالت سایر نهادهای حاکمیتی در عملکرد مجلس

نظارت نهادهای سیاسی بر سازمان‌های اجرایی بر دو حرکت مبتنی بوده است: یکی ظهور نظام‌های مردم‌سالار نماینده در جوامع غربی که در قرون هجدهم و نوزدهم میلادی به صورت تأسیس مجالس قانون‌گذاری و ظهور احزاب سیاسی تجلی یافت.

دوم، ضرورت و نیاز به استقرار خدمات دولتی به گونه‌ای مستمر، حرفه‌ای و حمایت شده بود. این نیاز در جوامع مختلف به ویژه به دلیل افزایش فساد و جانبداری‌های سیاسی و ضرورت تأمین مهارت‌های کافی، دانش و تجربه در مدیریت دولتی احساس شد (فقیهی، ۱۳۸۰، ص ۵۴). در آثار بسیاری از متفکران سیاسی نیز این نکته به وضوح دیده می‌شود که اداره و اجرا را باید تابع نظارت نهادهای سیاسی قرار داد و پاسخگو نمودن قوه مجریه و اعمال نظارت پارلمانی از طریق کمیسیون‌های مختلف هسته اصلی یک نظام مبتنی بر مردم‌سالاری است و موجب افزایش مشروعیت یک نظام سیاسی می‌گردد. به عبارت دیگر پاسخ‌گویی سازوکاری است که مشروعیت یک نظام سیاسی را عملی می‌کند (Williams & Taylor, 2013, P 559-560). مفهوم پاسخ‌گویی در جوامع به فرآیندهایی گفته می‌شود که شهروندان، حاکمان را برای رفتار و عملکردشان مسئول می‌سازند. این مقوله اغلب از طریق فرآیند انتخاب نمایندگان مردم در مجالس قانون‌گذاری می‌باشد تا مدیران بخش عمومی و کارکنانشان را در مقابل سازوکارهای نظارتی ممیزی پاسخگو سازند (Peters & Pierre, 1998, P 223-229).

از سوی دیگر، از دیرباز ذهن متفکران و اندیشه‌ورزان، در جهت دستیابی به

حکومت مطلوب، توجه ویژه‌ای به تحلیل قدرت سیاسی و تشخیص قوای موجود و بیان خصلت‌ها و نقش هر کدام از آنها داشته است.

از دیگر متغیرهای مهم بررسی عملکرد نمایندگان، میزان دخالت سایر نهادهای حاکمیتی در عملکرد مجلس است. اگرچه این متغیر برای نظام‌های سیاسی غربی مطرح شده، اما در نظام سیاسی ایران نیز با توجه به تعدد نهادهای حاکمیتی خط‌مشی‌گذار در کنار پارلمان (شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام از مهم‌ترین نهادهای مطرح در قانون اساسی هستند) دارای اهمیت ویژه‌ای است. برخی از شاخص‌ها و سنجه‌های طراحی شده و در دسترس برای این متغیر در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. تأثیر سایر نهادهای حکومتی بر عملکرد مجلس‌های ششم و هفتم (اداره کل فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۵)

شاخص	مجلس ششم	مجلس هفتم
موارد مهم منجر به دخالت رهبری	لوائح دوقلو، رد صلاحیت‌ها	عدم ابلاغ قوانین توسط رئیس جمهور، استیضاح متوالی وزرا
تعداد ارجاع شده به مجمع تشخیص مصلحت نظام	۲۶	۱۱
تعداد نمایندگان رد صلاحیت شده در دوره بعد	۸۵	۳۰

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که تعداد مصوبات ارجاعی به مجمع تشخیص مصلحت در دوره ششم به نسبت دوره هفتم بسیار بیشتر بوده است که به دلیل اختلافات سیاسی و نظری مجلس با شورای نگهبان طبیعی به نظر می‌رسد. ضمن آنکه بیشترین میزان رد صلاحیت نمایندگان در پایان دوره ششم صورت گرفت و تعداد زیادی از نمایندگان جناح چپ از عرصه رقابت خارج شدند (فقیهی، ذاکری و اسدی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۳).

۲-۳) مقایسه عملکرد نمایندگان مجلس ششم و هفتم

استقلال پارلمان در بُعد تقنینی نیز از دیگر متغیرهایی است که همه صاحب‌نظران

فوق الذکر به اشکال مختلف به آن اشاره کرده‌اند. از جمله در گونه‌شناسی پالسی^۱ (مجالس مؤثر و مبدل)، گونه‌شناسی بلاندل^۲ (مجالس مطیع تا آزاد) و گونه‌شناسی مزی^۳ از حیث قدرت سیاست‌گذاری پارلمان. یکی از شاخص‌های مناسب برای سنجش این متغیر عملکرد تقنینی مجلس و شاخص دیگر عملکرد نظارتی آن می‌باشد که داده‌های مربوط به آن به ترتیب در جدول‌های شماره ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. عملکرد تقنینی مجلس‌های ششم و هفتم (اداره کل فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷-۹۷)

شاخص	مجلس ششم	مجلس هفتم
مجموعه طرح‌ها و لوایح تقدیمی	۸۳۰	۸۲۶
مجموعه طرح‌ها و لوایح (قانون)	۳۹۶	۳۳۳
تعداد قوانین مصوبه مستخرج از طرح‌های مجلس	۸۴	۱۰۶
نسبت طرح‌های مصوب به کل قوانین	٪۲۱	٪۳۱
نسبت لوایح مصوب به کل قوانین	٪۷۹	٪۶۸
نسبت لوایح مصوب به کل لوایح تقدیمی	٪۹۵	٪۸۷
نسبت تعداد موافقتنامه‌ها به کل مصوبات	٪۴۵	٪۴۳
نسبت تعداد استفساریه‌ها به کل مصوبات	٪۶	٪۶
نسبت تعداد قوانین اصلاحی به کل مصوبات	٪۲۷	٪۲۳

چنان‌که در جدول ۳ دیده می‌شود، بخش عمده‌ای از قوانین مصوب مجلس برآمده از لوایح تقدیمی دولت بوده و به علاوه اکثریت قریب به اتفاق این لوایح نیز تصویب شده است. بدین ترتیب مجلس بیشتر نقش تبعی در بررسی و تأیید لوایح فوق داشته است. جدول بالا نشان می‌دهد:

مجلس هفتم بیشترین تعداد قوانین مستخرج از طرح‌ها را به نسبت مجلس ششم داشته است.

1 - Polsby
2 - Blundell
3 - Mezy

ضمن آنکه مجلس هفتم بیشترین نسبت قوانین مستخرج از طرح‌ها به کل قوانین را نسبت به مجلس ششم داشته است. در مقابل بیشترین نسبت لوایح به کل قوانین تصویبی را مجلس ششم نسبت به مجلس هفتم داشته است. این نتایج نشان می‌دهد مجلس ششم نسبت به مجلس هفتم بیشتر نقش تبعی داشته است و ضمن آنکه نسبت تصویب لوایح دولت نیز در مجلس ششم بالاترین سطح است. همچنین مجلس ششم دارای بیشترین نسبت موافقت‌نامه‌ها می‌باشد.

جدول ۴. فعالیت‌های نظارتی مجلس‌های ششم و هفتم (اداره کل فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷-۹۷)

شاخص	مجلس ششم	مجلس هفتم
تعداد موارد سوال از وزرا	۱۵۵	۱۰۲
تعداد استیضاح موفق	۰	۱
وزرای فاقد رأی اعتماد	۰	۴
پرونده‌های تحقیق و تفحص (مفتوح - مختوم)	۲۸	۲۱

تحلیل جدول ۴ نشان می‌دهد که تعداد سؤال از وزرا در مجلس ششم فاصله قابل ملاحظه‌ای با مجلس هفتم دارد. از سوی دیگر، تعداد استیضاح یا رأی عدم اعتماد را نمی‌توان شاخص جامعی از اثرگذاری مجلس بر ترکیب دولت تلقی کرد؛ چرا که برخی تغییرات در دولت‌ها در اثر فشار سیاسی و چانه‌زنی نمایندگان مجلس یا سایر نهادهای حکومتی صورت می‌پذیرد. با این حال نتایج این جدول نشان می‌دهد نمایندگان مجلس هفتم در زمان تشکیل کابینه هم دوره خود مانع موفقیت تعداد بیشتری از وزرای پیشنهادی رئیس‌جمهور در گرفتن رأی اعتماد شده‌اند. همچنین در مجلس ششم بیشترین تعداد پرونده‌های تحقیق و تفحص از دستگاه‌های اجرایی و حکومتی مطرح و مفتوح شده و نمایندگان این دوره از این ابزار بیشترین استفاده را کرده‌اند. از سایر

شاخص‌های قابل اعتناء در زمینه نظارت پارلمانی بر دولت می‌توان به گزارش تفریح بودجه دیوان محاسبات و بررسی شکایت‌های واصله از دولت یا سایر قوا در کمیسیون اصل نود مجلس نیز اشاره کرد که داده‌های جامع و مناسبی در مورد آنها به دست نیامد (فقیهی، ذاکری و اسدی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۲-۱۹۱).

یکی از متغیرهای مهم در گونه‌شناسی مزی، میزان حمایت مردم و نخبگان از پارلمان است و مزی آن را عامل موثری بر قدرت پارلمان برمی‌شمارد. میزان مشارکت مردم در انتخابات مجلس با توجه به ساختار سیاسی ایران می‌تواند شاخص مناسبی برای این متغیر باشد. ضمن آنکه مقایسه آن با میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری اگرچه تاحدودی قیاس مع‌الفارق است، اما می‌تواند دیدگاه مناسبی در خصوص زمینه تعامل یا تقابل این دو به دست دهد. داده‌های مربوط به مشارکت در این دو انتخابات در جدول‌های ۵ و ۶ ارائه شده است.

جدول ۵. مشارکت مردمی در انتخابات مجلس ششم و هفتم (اداره کل فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵)

شاخص	مجلس ششم	مجلس هفتم
نسبت مشارکت در انتخابات مجلس	٪۶۹/۳۷	٪۵۰/۵۷
تعداد نمایندگان منتخب در دوره بعد	۷۰	۱۰۷
تغییر نمایندگان (درصد)	۷۶	۶۳

جدول ۶. مشارکت مردمی در انتخابات ریاست جمهوری

شاخص	دولت هشتم مقارن با مجلس ششم	دولت نهم مقارن با مجلس هفتم
نسبت مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری	٪۶۶	٪۶۰
میزان رأی رئیس جمهور	٪۷۷	٪۶۱

چنانکه از داده‌های جدول‌های شماره ۵ و ۶ برمی‌آید، نسبت آرای رئیس جمهور به کل آراء در دوره هفتم بیش از نسبت آرای رئیس مجلس وقت بوده است. از سوی دیگر، تعداد نمایندگانی که توسط مردم حوزه انتخابیه خود در دوره بعد نیز ابقاء

شده‌اند، از ۴۰ درصد تجاوز نکرده است. نتایج این جدول نشان می‌دهد مجلس ششم به نسبت مجلس هفتم میزان مشارکت مردمی بیشتری را تجربه کرده است. همچنین نمایندگان مجلس هفتم به نسبت مجلس ششم بیشترین میزان ابقاء در صندلی‌های مجلس را تجربه کرده‌اند.

علاوه بر موارد فوق نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که:

- احزاب فراگیری که بتواند پشتیبان مجلس باشد، وجود ندارد و در همه دوره‌ها به خاطر این ضعف، مجلس به خصوص از نظر کارشناسی، دچار ضعف بوده است.
- در بحث‌های کلان اقتصادی میان اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان مجلس ششم و هفتم اختلاف چندانی وجود نداشته است.
- اقدامات مجلس هفتم در دفاع از حقوق شهروندی عمده توجه به توسعه اقتصادی و مبارزه با مفاسد اقتصادی برخلاف مجلس ششم که تمرکز بر توسعه سیاسی داشت، بوده است.
- در مقایسه عملکرد نمایندگان مجلس ششم و هفتم باید گفت که نمایندگان مجلس ششم بیشتر به عنوان یک حزب یا یک جریان سیاسی براساس قانون و چارچوب مدنی فعالیت نموده‌اند.
- اکثریت نمایندگان ششم معتقدند در چارچوب همین جمهوری اسلامی می‌توان اصلاحاتی را ایجاد کرد و نظام جمهوری اسلامی ایران را اصلاح‌پذیر می‌دانند (اداره کل فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷).
- در خصوص نظام انتخاباتی هم نتایج نشان می‌دهد که نمایندگان مجلس ششم بیش از نمایندگان مجلس هفتم به یک حزب سیاسی معتقد هستند و به عنوان یک حزب باید حضورشان در عرصه‌های مختلف از جمله انتخابات پررنگ‌تر شود.
- یکی از مهمترین ضعف‌هایی که عملکرد نمایندگان دوره ششم و هفتم داشته و نمایندگان نیز به آن معتقدند این است که «مجالس ما کارخانه تولید قانون هستند و ما نمی‌دانیم که این قانون‌ها اجرا می‌شود یا نه» (باهنر، ۱۳۸۶، ص ۶).

- بررسی مقایسه‌ای عملکرد اقتصادی مجلس ششم و هفتم نشان می‌دهد که در دوره هفتم به نسبت ششم، تورم و رشد نقدینگی بالاتر بوده است و قانون تجمیع عوارض و حمایت از سرمایه‌گذاری در مجلس ششم تصویب شد و در مجلس هفتم مدیریت مصرف انرژی بیش از سایر موارد مورد تأکید قرار گرفت.

۱-۴) نظام انتخاباتی و عملکرد مجلس ششم و هفتم

انجام مطالعات کیفی بدون توجه به بستر تحقیق و شرایط و زمینه‌های بروز یک پدیده کامل نیست و نتایج آن قابل اعتناء نخواهد بود. به بیان دیگر، زبان تحقیقات کیفی، زبان موردها و بسترها است (نیومن، ۱۳۹۰، ص ۸). از منظر فلسفه تحقیقات رئالیستی انجام تحقیقات علوم اجتماعی بر دو پایه استوار است: اول بررسی پدیده وقوع یافته و دوم بررسی زمینه‌های وقوع پدیده؛ بر این اساس در این تحقیق نیز هر دو حوزه مورد بررسی قرار می‌گیرد (Ackroyd, 2009, P 532).

بدیهی است که برای تحلیل و تفسیر بهتر داده‌های گردآوری شده و نیز استنتاج منطقی و علمی از آنها بررسی بسترهای وقوع پدیده‌ها و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در هر یک از ادوار مجلس ضروری است.

مجلس ششم در فضای سیاسی و اجتماعی خاصی شکل گرفت. انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی در زمان دولت اول سید محمد خاتمی برگزار شد. پیش از زمان برگزاری انتخابات، کشورمان حوادثی چون قتل‌های زنجیره‌ای، صعود تیم فوتبال ایران به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و پیروزی بر تیم ملی کشور آمریکا در این مسابقات، تشکیل اولین دوره شوراهای شهر و روستا را تجربه می‌کرد. ویژگی خاص انتخابات مجلس ششم این بود که بنابر قانونی که در مجلس پنجم به تصویب رسید، تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی از ۲۷۰ نفر به ۲۹۰ نفر افزایش می‌یافت.

اکثریت مجلس ششم در اختیار احزابی چون مشارکت، کارگزاران و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود. مجلس ششم به لحاظ ترکیب سیاسی، هم‌سویی کامل با دولت اصلاحات داشت و به لحاظ تقنینی و نظارتی همکاری کاملی بین این دو

مشاهده می‌شد، چنانکه بیشترین درصد لوایح مصوب و نیز کمترین میزان نسبت طرح‌ها به کل قوانین مصوب در این مجلس اتفاق افتاد. در واقع هدف اصلی این مجلس همراه با دولت اصلاحات در راستای نهادینه‌سازی توسعه سیاسی (براساس قرائت اصلاح‌طلبان از آن) در کشور بود و ماحصل آن ارائه طرح‌ها و لوایح متعدد مانند تعریف جرم سیاسی، هیئت منصفه، پیوستن ایران به کنوانسیون‌های جهانی محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و منع شکنجه، اصلاح قانون انتخابات و تبیین اختیارات ریاست جمهوری (که این دو مورد آخر به لوایح دوقلو موسوم شد) بود. برخلاف رابطه مثبت مجلس و دولت در این دوره، رابطه مجلس با سایر سطوح حاکمیت چندان مطلوب نبود و تقریباً تمام طرح‌ها و لوایح مهم این مجلس (که به برخی از آنها اشاره شد) در شورای نگهبان مخالف با شرع و قانون اساسی تشخیص داده شد. قوه قضائیه نیز برخلاف اصول مصونیت پارلمانی، یکی از نمایندگان مجلس را بازداشت کرد. رهبری درخصوص طرح قانون انتخابات با صدور نامه و اعلام نظر در این موضوع خاتمه بررسی آن را خواستار شدند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد مجلس ششم علی‌رغم برخورداری از مشارکت مردمی مناسب و هم‌سویی سیاسی با دولت وقت، نتوانست در دستیابی به اهداف تقنینی و نظارتی خود موفق باشد. چنانکه رد صلاحیت حدود ۸۰ نفر از نمایندگان آن، تغییر اساسی در آرایش مجلس هفتم و تغییرات متعاقب آن در فضای سیاسی کشور مؤید این ادعا است (فقیهی، ذاکری و اسدی، ۱۳۹۳، ص ۱۹۹).

در پی وقایعی که در پایان فعالیت مجلس ششم اتفاق افتاد، فضای سیاسی کشور در آستانه مجلس هفتم دستخوش تغییراتی شد. در کنار رد صلاحیت و انصراف گسترده فعالان سیاسی جناح چپ، جناح راست با چراغ خاموش، چهره‌های مردم‌پسند و شعارهای انقلابی و تکرار شعارهای مورد تأیید رهبری و بدنه مردمی و دانشجویی که از انتهای دهه هفتاد به اصل بودن اصول انقلاب و عدالت اجتماعی تأکید می‌کرد، به مجلس راه یافتند. مجلس هفتم کمترین میزان مشارکت مردمی را در میان ادوار مورد بررسی داشته است (همان، ص ۲۰۰).

نتیجه‌گیری

شناخت نظام انتخاباتی در هر کشوری از جمله ایران رابطه مستقیم با میزان کارآمدی نمایندگان مجلس در اجرای وظایف نمایندگی دارد. در این تحقیق تلاش شد تا رابطه بین گرایش سیاسی با کارآمدی نمایندگان مجلس در ایران با نگاه موردی به دوره‌های ششم و هفتم مورد بررسی قرار گیرد. ارزیابی‌ها نشان داد که هرگاه زمینه برای رقابت سیاسی سالم و شفافیت سازمانی میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی وجود داشته باشد، نشانه‌هایی از همکاری‌های سازمان‌یافته بین مجلس و سایر نهادهای حکومتی به وجود می‌آید. نتیجه چنین فرآیندی را می‌توان حداکثرسازی کارآمدی سیاسی بین نیروهایی دانست که از انگیزه لازم برای نقش‌آفرینی سیاسی برخوردار خواهند بود. وضعیت در یک تحلیل نهایی موجب افزایش مشارکت سیاسی افراد جامعه و همچنین گامی مهم در جهت توسعه سیاسی خواهد بود.

پس از بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸، با متمرکز شدن قدرت در قوه مجریه و افزایش اختیارات رهبری، نظام سیاسی ایران دستخوش تغییراتی شد و از وضعیت پارلمانی به وضعیت بین پارلمانی و ریاستی تغییر وضعیت یافت. از آن زمان همواره این بحث مطرح بوده که آیا نظام سیاسی ایران بیشتر به وضعیت پارلمانی گرایش دارد یا ریاستی؟ همین وضعیت بینابین باعث بروز اختلاف بین قوای مقننه و مجریه شده است. از یک‌سو با استناد به اصول ۷۱، ۷۲، ۷۴ و ۷۵ قانون اساسی و از سوی دیگر با توجه به داده‌های جدول شماره ۳ این پژوهش در مورد عملکرد تقنینی پارلمان، مجلس ایران را می‌توان در ردیف مجالس مؤثر ارزیابی نمود که بیشتر راجع به سیاست‌های پیشنهادی دولت که برای تصویب به پارلمان فرستاده، بحث می‌کنند و گاه قادرند بر شکل نهایی آنها تأثیر بگذارند.

ارزیابی‌های تحقیق حاضر در خصوص رابطه مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی و نظام انتخاباتی نشان می‌دهد که پس از پیروزی انقلاب در جامعه ایران شاهد بروز تغییراتی در نوع رفتارها، ساختار جمعیتی، ساختار ارزشی و ساختار طبقاتی هستیم. این

تغییرات ابعاد گسترده‌ای داشت؛ تغییراتی که توانست تمام مرزبندی‌های قبلی را تغییر دهد و روابط جدیدی را جایگزین آن کند و مرزهای ارزشی اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه قبل از پیروزی را بر هم زند. در این وضعیت مشارکت مردم در فرایند انتخابات تابع شرایط سیاسی - اجتماعی بود؛ خصلت‌هایی چون فراگیری، حفظ حاکمیت نظام و غیر تصحیحی بودن منابع، بیش از هر چیز رفتار مشارکتی از جمله مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی مردم را تحت تأثیر قرار می‌داد. در این دوران تحرک اجتماعی به قدری شدید بود که تقریباً همه قشرها و لایه‌های اجتماعی قبل از پیروزی انقلاب را بر هم زد و فرصتی لازم بود تا مرزبندی‌های اجتماعی دوباره مشخص شود که البته این فرصت نیز به یکباره شکل نگرفت؛ به طوری که در دوران پس از جنگ شکل‌گیری لایه‌های اجتماعی با منافع مشخص و تعریف شده به تدریج ایجاد شد. در واقع تغییرات شدیدی که در ساختارهای ارزشی، جمعیتی، طبقاتی و رفتاری جامعه ایران پس از انقلاب به وجود آمد، طبیعتاً وضعیت مشارکت سیاسی مردم را نیز دگرگون ساخت.

تعیین و تثبیت وضعیت طبقاتی ناشی از تحرک اجتماعی دوران پس از انقلاب اسلامی از ملزومات اصلی رشد رفتار انتخاباتی و سازماندهی مثبت افکار عمومی به شمار می‌آید. با توجه به اینکه انتخابات همواره تحت تأثیر وضعیت ویژه سیاسی - اجتماعی ناشی از تحرک اجتماعی و تبدیل قشربندی اجتماعی به طبقات و نیروهای اجتماعی خاصی می‌باشد، باید روح مشارکت سیاسی در امر انتخابات را در تحرک اجتماعی بررسی و آسیب شناسی کرد، زیرا در دهه اخیر در جامعه ایران، تحولاتی روی داده که نشان دهنده رشد آگاهی مردم و میزان مسئولیت‌پذیری افراد جامعه است.

منابع

۱. اخترشهر، علی (۱۳۸۷). توسعه سیاسی. معارف، ۶۳: ۳۱-۲۵.
۲. اداره کل فرهنگی روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). کارنامه مجلس شورای اسلامی دوره هفتم. تهران: اداره تبلیغات و انتشارات مجلس شورای اسلامی.
۳. امامی، محمد؛ استوار سنگری، کوروش (۱۳۸۷). حقوق اداری. تهران: انتشارات میزان.
۴. باهنر، محمدرضا (۲۰ اسفند ۱۳۸۶). ارزیابی عملکرد مجلس ششم و هفتم. روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۱۴۷۸.
۵. بشیریه، حسین (۱۳۸۸). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: نشر نگاه معاصر.
۶. توسلی رکن آبادی، مجید؛ شعبانی شمیرانی، علیرضا (۱۳۹۲). نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان مجلس هفتم. جستارهای سیاسی معاصر، ۴(۱۰): ۷۵-۱۰۴.
۷. دارابی، علی (۱۳۸۸). رفتار انتخاباتی در ایران: الگوها و نظریه‌ها. تهران: انتشارات سروش.
۸. دال، رابرت (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل سیاست. ترجمه حسین مظفریان. تهران: نشر مترجم.
۹. دال، رابرت آلن؛ استاین بریکتر، بروس (۱۳۹۳). تحلیل سیاسی مدرن. ترجمه حمیرا مشیرزاده. تهران: نشر فرهنگ جاوید.
۱۰. راسخ، محمد (۱۳۸۹). بنیاد نظری اصلاح قانونگذاری. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۱. رجبی، هادی (۱۳۹۲). تأثیر شورای اسلامی شهر تهران بر نگرش شهروندان تهرانی نسبت به مشارکت سیاسی. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴(۱۳): ۹۷-۱۱۲.
۱۲. ساعی، احمد؛ صفروپور، مهدی؛ باویر، محمد (۱۳۸۹). فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی شدن بر توسعه سیاسی در ایران. دانشنامه حقوق و سیاست، ۶(۱۳): ۷۹-۱۰۹.
۱۳. عبیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸). نظام انتخاباتی ما. زمانه، ۸(۸۱): ۷۸-۸۴.
۱۴. فقیهی، ابوالحسن (۱۳۸۰). نظام‌های پاسخگویی در بخش دولتی: دیدگاه تطبیقی. مطالعات مدیریت، بهبود و تحول، ۲۹: ۳۰-۵۳.
۱۵. فقیهی، ابوالحسن؛ ذاکری، محمد؛ اسدی، اسماعیل (۱۳۹۳). ارزیابی عملکرد مجالس شورای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه مجلس سوم تا هشتم). راهبرد، ۲۳(۷۲): ۱۸۱-۲۰۷.
۱۶. فقیهی، ابوالحسن؛ ماشاله ولیخانی دهاقانی (۱۳۹۰). ارایه مدل بومی جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران. تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۳(۸): ۱-۱۹.
۱۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۷). نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲). دموکراسی، دیکتاتوری و مسئولیت ملت. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ۶۸-۶۷: ۷-۴.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). مطالعه نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. کدیور، محسن (۱۳۷۸). حکومت ولایی. تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
۲۱. کلمن، جیمز. اس (۱۳۸۰). توسعه سیاسی تدریجی. ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۲. لاندل، کریستر (۱۳۸۹). عوامل موقعیتی گزینش نظام انتخاباتی: مطالعه مقایسه ای کلان. ترجمه علیرضا عیاری. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.
۲۳. مرکز تحقیقات شورای نگهبان (۱۳۹۴). مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات دوره ششم مجلس شورای اسلامی (خرداد ۱۳۷۹ تا خرداد ۱۳۸۳). تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
۲۴. مصفا، نسرين (۱۳۷۵). مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۵. مهدی‌خانی، علیرضا (۱۳۸۰). مروری اجمالی بر توسعه سیاسی و اقتصادی. تهران: انتشارات آرون.
۲۶. نیومن، لارنس (۱۳۹۰). روش‌های پژوهش اجتماعی: رویکرد کمی و کیفی. ترجمه ابوالحسن فقیهی و عسل آغاز. تهران: انتشارات ترمه.
۲۷. هاشمی، سید ضیاء؛ فولادیان، مجید؛ فاطمی امین، زینب (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی و روانی موثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۷(۵): ۱۹۹-۲۲۶.
۲۸. الهام، غلامحسین (۱۳۸۹). مرز امور تقنینی و اجرایی در ایران. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات شورای نگهبان.

29. Ackroyd, S. (2009). **Research Designs for Realist Research**. In: D. Buchanan and A. Bryman. The SAGE Handbook of Organizational Research. London: Sage, pp. 532-548.
30. Peters, B.G. & Pierre, J. (1998). Governance without Government? Rethinking Public Administration. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 8(2):223-243.
31. Williams, A.P. & Taylor, J.A. (2013). Resolving Accountability Ambiguity in Nonprofit Organizations. *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 24(3):559-580.

References

- Ackroyd, S. (2009). **Research Designs for Realist Research**. In: D. Buchanan and A. Bryman. The SAGE Handbook of Organizational Research. London: Sage, pp. 532-548.
- Akhtarshahr, A. (2008). Political Development. *Journal of Mearef*, (63): 25-31. [In Persian]
- Bahonar, M.R. (2008 March 10). Assessment of the Performance of the Sixth and Seventh Majles. *Donya-e-Eqtesad NewsPaper*, 1478. [In Persian]
- Bashirieh, H. (2009). **Obstacles to Political Development in Iran**. Tehran: Contemporary View Publication. [In Persian]
- Coleman, J.S. (2001). **Education And Political Development**. Translated by Gholamreza Khajeh Saravi. Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian]
- Dahl, R. & Stinebrickner, B. (2014). **Modern Political Analysis**. Translated by Hamira Moshirzadeh. Tehran: Immortal Culture Publishing. [In Persian]
- Dahl, R. (1985). **Modern Political Analysis**. Translated by Hossein Mozaffarian. Tehran: Translator Publishing. [In Persian]
- Darabi, A. (2009). **Electoral Behavior in Iran: Patterns and Theories**. Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
- Elham, G. (2010). **Frontier of Legislative and Executive Affairs in Iran**. Tehran: Guardian Council Research Center Publications. [In Persian]
- Emami, M. & Stavarsegari, K. (2008). **Administrative Law**. Tehran: Magazine Publications. [In Persian]
- Eyvazi, M.R. (2009). Our Electoral System. *Zamaneh Journal*, 18(81): 78-84. [In Persian]
- Faghihi, A. & Valikhani Dehagani, M. (2011). Introducing an Indigenous Model of Civil Society in the Islamic Republic of Iran. *Political and International Research*, 3(8): 1-19. [In Persian]
- Faghihi, A. (2001). Accountability Systems in the Public Sector: A Comparative Perspective. *Management Studies, Improvement and Evolution*, 29(30): 53-70. [In Persian]
- Faghihi, A. ; Zakeri, M. & Asadi, I. (2014). Assessing the Performance of Islamic Consultative Assembly in the Islamic Republic of Iran System (Case Study of the Third and Eighth Majles). *Strategic Journal*, 23(72): 181-207. [In Persian]
- Ghavam, A. (2008). **Theoretical Critique of Political Renovation and Development**. Tehran: Shahid Beheshti University Press. [In Persian]

16. Hashemi, S. ; Fouladian, M. & Fatemi-Amin, Z. (2009). Investigation of Social and Psychological Factors Affecting Political Participation of People in Tehran. *Journal of Political Science*, 15(17): 199-226. [In Persian]
17. Kadivar, M. (1999). **Provincial Government**. Tehran: Ney Publishing, Fifth Edition. [In Persian]
18. Katouzian, M.A. (1993). Democracy, Dictatorship, and the Responsibility of the Nation. *Political-Economic Information*, 67-68: 4-7. [In Persian]
19. Katouzian, N. (2005). **Study of the Iranian Legal System**. Tehran: Publishing Corporation. [In Persian]
20. Lundell, K. (2010). **Contextual Determinants of Electoral System Choice; A Macro-Comparative Study (1945-2003)**. Translated by Alireza Ayari. Tehran: Majlis Research Center. [In Persian]
21. Mehdikhani, A. (2001). **An Overview of Political and Economic Development**. Tehran: Aaron Publications. [In Persian]
22. Mosafa, N. (1996). **Women's Political Participation in Iran**. Tehran: Office of Political and International Studies. [In Persian]
23. Neuman, L. (2011). **Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches**. Translated by Abolhassan Faghihi and Honeybeh Beg. Tehran: Termeh Publications. [In Persian]
24. Office of Public Relations of the Islamic Consultative Assembly (2008). **Proceedings of the Seventh Islamic Consultative Assembly**. Tehran: Islamic Consultative and Publication Office. [In Persian]
25. Peters, B.G. & Pierre, J. (1998). Governance without Government? Rethinking Public Administration. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 8(2):223-243.
26. Rajabi, H. (2013). The Influence of the Islamic Council of Tehran on Citizens' Attitude toward Political Participation. *Pajohesh & barnamerizi shahri*, 4(13): 97-112. [In Persian]
27. Rasekh, M. (2010). **Theoretical Foundation of Legislative Reform**. Tehran: Parliamentary Research Center Publications. [In Persian]
28. Saei, A. & Safarpour, M. & Bavir, M. (2010). Opportunities and Threats of Globalization on Political Development in Iran. *Encyclopedia of Law and Politics*, 16(13): 79-109. [In Persian]
29. Tavassoli, R.M. & Shaban Shemirani, A. (2013). The Role of the Electoral System of the Islamic Consultative Assembly in the Responsibility of the Representatives of the Seventh Parliament. *Jostarhaye Siyasi Moaser*, 4(10):75-104. [In Persian]
30. The Guardian Council Research Center (2015). **The Guardian Council's Opinion on the Sixth Majlis Approvals (June 2000 to June 2004)**. Tehran: Guardian Council Research Publications. [In Persian]
31. Williams, A.P. & Taylor, J.A. (2013). Resolving Accountability Ambiguity in Nonprofit Organizations. *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 24(3):559-580.